

در گذشتگان

آیت الله العظمی بهجت



شیخ الفقهاء والمجتهدین، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمدتقی بهجت فومنی - قدس سره الشریف - یکی از احاطم فقها و مراجع تقلید شیعه بود. معظم له، در پایان سال ۱۳۳۴ ق در فومن به دنیا آمد. پدرش کربلایی محمود، از معتمدان شهر بود که مردم برای گواه اسناد و قباله ها به او مراجعه می کردند، وی خوش ذوق و پرقریحه بود و اشعاری در مدح و مرثیه امام حسین - علیه السلام - سروده بود که تاکنون مورد استفاده مداحان آن سامان است.

مرحوم آیت الله بهجت، ۱۶ ماهه بود که مادرش را از دست داد و گرد یتیمی بر سرش نشست، اما تحت تربیت پدر متدین و دلسوزش مراتب تحصیل ابتدایی را پشت سر نهاد و به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات عرب را در شهرش

بیاموخت. سپس در سال ۱۳۴۸ ق رهسپار کربلا شد و به مدت ۴ سال سطح فقه و اصول را فرا گرفت. در سال ۱۳۵۲ ق، به نجف اشرف رفت و شرح لمعه را از آیت الله شیخ مرتضی طالقانی و سطوح عالیه را از آیات عظام: خویی و میلانی (مکاسب) و شاهرودی (کفایه) بیاموخت. نیز اشارات و اسفار را از حکیم علامه سیدحسین بادکوبه ای و مراتب عرفان و اخلاق را هم از عارف و اخلاقی بزرگ نجف مرحوم آیت الله آقا سیدعلی قاضی و آیت الله آقا سید عبدالغفار مازندرانی فرا گرفت و مورد توجه و ملاحظت فراوان اساتیدش قرار گرفت.

آن مرحوم خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: شیخ کاظم شیرازی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، خویی و میلانی آموخت و مبانی فقهی و اصولی اش را استوار ساخت و همزمان به نگارش تفسیرات درس اساتیدش و تدریس سطوح عالیه پرداخت.

سپس در سال ۱۳۶۴ ق (۱۳۲۴ ش) به زادگاهش بازگشت و پس از ازدواج، رهسپار حوزه علمیه قم شد و به درس آیات عظام: حجت کوهکمری و آقای بروجردی حاضر گردید و پس از وفات آیت الله شیخ عبدالنبی عراقی اقامه جماعت در مسجد خانم همایون - فاطمیه - را هم بر عهده گرفت و این مسجد، به

برکت نماز ایشان، مجمع اهل علم فضل و تقوا گردید. معظم له، در طول این سالها به تحصیل و تألیف و تدریس اشتغال داشت و آئی نیاسود. در این سالها، یکی از مشاهیر حوزه علمیه قم در علم و تقوا و معنویت بود و نامش در اوساط علمی طنین افکن. پس از وفات مراجع معظم تقلید، و به دنبال اصرار بسیار مؤمنان در سال ۱۳۷۳ ش، رساله اش به چاپ رسید و شمار فراوانی از شیعیان جهان، تقلید از او را پذیرفتند. او، اسوه زهد و تقوا و معنویت بود.

در نجف اشرف، همه روزه به زیارت امیرالمؤمنین و شبهای چهارشنبه به زیارت مسجد سهله و در قم هر روزه به زیارت مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه و در مشهد مقدس هر روزه به زیارت حرم مطهر امام رضا - علیه السلام - مشرف می شد و به حال ایستاده زیارت عاشورا را قرائت می نمود. از تعینات زندگی و مظاهر دنیا دوری می گزید و خانه اش تا پایان عمر شریفش همان خانه ابتدای ورودش به قم بود، همساره کتابهایش بدون عنوان رایج حوزوی و با امضای «العبد محمدتقی بهجت» به چاپ می رسید. به تهجد و نوافل و رعایت مستحبات و بکاه در نماز و احتیاط در فتوا و صرف وجوهات شرعی، مشهور بود و خانه خود در شهر فومن را وقف و به مدرسه علمیه تبدیل نمود، موعظه ها و

گفتارش، شیرین و نمکین بود و در درسش، موارد بسیاری از تفسیر آیات و روایات و خاطرات خویش را بیان می فرمود (که برخی از آنها در کتاب «در محضر آیت الله بهجت» ج ۲- نوشته: محمدحسین رُخشاد، گرد آمده است).

آثار ایشان عبارت اند از:

الف- کتابهای چاپی:

۱. توضیح المسائل؛
۲. مناسک حج؛
۳. وسیلة النجاة (تعلیقه بر وسیلة النجاة مرحوم آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی)؛

۴. جامع المسائل (ج ۵) - یک دوره فقه فارسی؛

۵. استفنات (ج ۴)؛

۶. ذخیره العباد (حاشیه بر رساله ذخیره العباد مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی)؛

۷. دوره اصول؛

۸. بهجة الفقیه (ج ۱ - کتاب الصلاة).

ب- کتابهای غیر چاپی:

۱. کتاب الطهارة؛
۲. کتاب الصلاة؛
۳. حاشیه بر مکاسب - شیخ انصاری
۴. حاشیه بر مناسک حج - شیخ انصاری؛
۵. تقریرات دروس اساتید.

سرانجام روح ملکوتی آن مرجع بزرگ در ۹۵ سالگی، عصر روز یکشنبه ۲۷ اردی بهشت ۱۳۸۸ ش (۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ ق) به مسوایان طاهرینش پیوست. با اعلام خبر وفاتش موجی از غم و اندوه بر حوزه های علمیه در سراسر ایران سایه افکند و دولت جمهوری اسلامی، سه روز عزای عمومی و یک روز (سه شنبه) را در استان قم تعطیل عمومی اعلام کرد. حوزه علمیه قم و

نجف اشرف هم به حال تعطیل درآمد. پیکر پاکش روز سه شنبه ۲۹ اردی بهشت، با تشییع میلیونی و بی نظیر مردم عزادار و نماز آیت الله جوادی آملی بر آن، در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه - سلام الله علیها - به خاک سپرده شد و در فقدانش اعلامیه ها و پیام های فراوان از سوی مراجع عظام تقلید، مقام معظم رهبری، شخصیتها، نهادها و سازمانهای متعدد صادر شد و مراسم بزرگداشت مقام علمی و عملی اش تا مدتها ادامه یافت.

*

حجة الاسلام ایرانی



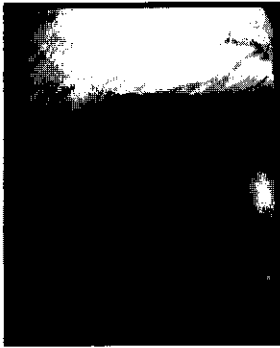
حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین ایرانی، نامی آشنا در شهر مقدس قم بود. حوزه علمیه قم، مردم متدین و مسئولین شهر قم، همه او را به پاکی و صفا و خلوص و ساده زیستی و تقوا می شناختند. مرگ او نابهنگام و زودرس و مایه تأسف و اندوه بود.

وی، در سال ۱۳۲۳ ش در قم زاده شد. پدرش ملا محمد - که یزدی الاصل بود و جدش از یزد به قم، مهاجرت کرده بود - یکی از نزدیکان و معتمدان آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری بود. مرحوم ایرانی، پس از اخذ دیپلم نظام قدیم در ۱۷ سالگی (۱۳۴۰ ش) به تحصیل ادبیات عرب همت گماشت و پس از آن سطوح عالییه را نزد حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، مؤمن قمی،

مشکینی و مصباح یزدی فراگرفت و سپس به درس خارچ آیات عظام میرزا هاشم آملی، حاج آقا مرتضی حایری، میرزا جواد تبریزی و منتظری، و فاضل لنکرانی حاضر شد و بهره های فراوان برد و همزمان به تحصیل در نخستین دوره آموزشی تخصصی مؤسسه «در راه حق» اشتغال ورزید و زیر نظر اساتیدی چون: دکتر احمدی، دکتر نمازی، آیت الله مصباح، آیت الله مظاهری فلسفه اسلامی، فلسفه غرب و شرق، اقتصاد، زبان عربی و انگلیسی را به خوبی آموخت و جزوات مختلف را در رد و نقد تفکر چپ و اندیشه های حزب توده به رشته تحریر درآورد. او در کنار تحصیل به تدریس ادبیات (در مدرسه رضویه) و معارف اسلامی (به معلمان و دبیران)، تبلیغ دین و تألیف پرداخت و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در راه تحکیم مبانی انقلاب، رنج سفر بر خود هموار می ساخت و به دیدار علمای تبعیدی می شتافت و از آنان رهنمود می گرفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی جامعه مدرسین مأموریت بازرسی از دوائر دولتی، رفع اختلاف و درگیری های محلی، سازماندهی نیروهای انقلابی و در نهایت سرپرستی حزب جمهوری اسلامی در قم را بر عهده گرفت. با شروع جنگ تحمیلی، فرماندهی و مسؤولیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم و منطقه یک کشوری (سمنان، مرکزی، زنجان و قزوین) را پذیرفت و به خوبی از عهده آن - در انسجام و اعزاز نیرو به جبهه ها، تدارکات و پشتیبانی لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب، آموزش دینی و عقیدتی نیروهای سپاه، بازدید و سخنرانی از مناطق مختلف جبهه و پشت جبهه - برآمد. پس از پایان جنگ تحمیلی، نمایندگی مردم

حجة الاسلام محدث زاده



مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا محسن محدث زاده، یکی از علما و ائمه جماعات مشهور تهران به شمار بود. آن مرحوم در ذی حجة المحرام ۱۳۴۴ ق (۱۳۰۴ ش)، در مشهد مقدس زاده شد. پدر بزرگوارش خاتم المحدثین ثقة الاسلام حاج شیخ عباس قمی (۱۲۹۰ - ۱۳۵۹ ق) صاحب مفاتیح الجنان و سفینه البحار و منتهی الامال و مادرش صبیبه محترمه آیت الله حاج آقا احمد طباطبایی قمی - برادر مهتر آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی و از علمای بزرگ قم که در صحن حرم مطهر حضرت معصومه (س) اقامه جماعت می فرمود - بوده است.

او نخست در مشهد مقدس ادبیات را نزد پدر بزرگوارش آموخت و تقریرات آن را هم نگاشت و سپس در سال ۱۳۵۴ ق همراه پدرش به نجف اشرف مهاجرت کرد و منطلق را نزد آقای شمس و سطوح عالیه را نزد آیات: حاج سیدسجاد علوی گرگانی (پدر آیت الله العظمی علوی گرگانی)، حاج سیدمحمد روحانی، حاج میرزا علی فلسفی و حاج سید محمود مرعشی شوشتری (جد مادری مرحوم کلانتر) فراگرفت و پس از آن به درس خارج آیت الله سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد و مورد توجه فراوان معظم له قرار گرفت. در سال ۱۳۶۸ ق (۱۳۲۸ ش) به قم

مقالات / ج ۱

۶. ایرانیان، زمینه ساز ظهور؛
 ۷. غنچه های قیام؛
 ۸. اولین امام در آخرین پیام؛
 ۹. نیت و عبادت؛
 ۱۰. رساله فی العبادة؛
 ۱۱. اصلاحات از منظر نهج البلاغه؛
 ۱۲. منجی موعود از منظر نهج البلاغه؛
 ۱۳. دنیا در دیدگاه دادگستر تاریخ؛
 ۱۴. حقوق زندانی و زندانیان؛
 ۱۵. بهشت سوسیالیزم؛
 ۱۶. برادری، برابری، حکومت کارگری؛
 ۱۷. زهد تا ظهور؛
 ۱۸. در حریم یار؛
 ۱۹. چهل حدیث حسرت؛
 ۲۰. چهل حدیث نیت؛
 ۲۱. تعلیم و تربیت در اسلام؛
 ۲۲. نگرش کوتاه به اقتصاد اسلامی؛
 ۲۳. رسالت ها (ترجمه).
- سرانجام آن مرحوم، پس از یک دوره بیماری طولانی - ناشی از عوارض و کسالت های شیمیایی دوران جنگ تحمیلی - در ۶۵ سالگی، در ظهر روز جمعه ۳۰ اسفند ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت و پیکر پاکش روز شنبه اول فروردین ۱۳۸۸ ش (۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۰ ق) با تشییع شایسته و باشکوه و پس از نماز آیت الله سید محسن خرازی بر آن، در قبرستان شیخان به خاک آرمید و در غم فقدانش پیام های تسلیت متعدد از سوی مقام معظم رهبری، جامعه مدرسین، شورای عالی حوزه علمیه قم و نهادها و سازمانها و شخصیت های استان قم صادر شد.

قم را در مجلس شورای اسلامی (دوره چهارم و پنجم) و مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی استان قم را پذیرفت و در این دو سمت، خدماتی شایان را به مردم شریف قم ارائه کرد.

او عضو مؤسس چند هیأت و کانون فرهنگی بود. مانند: کانون جوانان آک محمد، مؤسسه محسنین، مجمع طلاب و فضیای قمی، مؤسسه خیریه ازدواج الزهراء، مرکز خدمات حوزه علمیه قم، صندوق قرض الحسنه ائثار، هیأت امانه و معاونت فرهنگی مسجد مقدس جمکران، جامعه اسلامی ناصحین، دانشگاه پیام نور قم، وی همواره در کارهای سیاسی و اجتماعی و دینی و فرهنگی استان، نقش اساسی بر عهده داشت و با کمترین چشمداشت بیشترین کارها را انجام می داد. اهل وفا و صفای صمیمیت و مردم داری بود، زهد و تقوا و پرهیزگاری، تواضع و فروتنی، اخلاق خوش و زبان نرم و مدارا، خدمت به مردم از خصوصیات بارز و آشکار او بود و با این حال - که پست های مهم اجتماعی و سیاسی را بر عهده داشت - از منبر رفتن و روضه خواندن بر اهلبیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - ابایی نداشت و با آن لحن گیرا و جذابش منبر می رفت و روضه می خواند و گریه می کرد و می گریست و در همین حال، از تألیف و تدریس و وظائف روحانی خویش، غافل نبود. برخی از تألیفات - چاپ شده اش - عبارت اند از:

۱. شورا در اسلام؛
۲. مشکل اسراف؛
۳. یتیم، اشکی فتاده بر کوه؛
۴. تجزیه و تحلیلی از هجرت پیامبر و پنج سال تاریخ اسلام؛
۵. هاله های حیات (مجموعه)

مهاجرت کرد و در درس آیت الله العظمی بروجردی حاضر شد تا آن که در ۱۳۸۰ ق (۱۳۳۹ ش) از سوی آیت الله العظمی بروجردی برای امامت مسجد حاج عبداللّه - مسجد الصادق (ع) - انتخاب گردید و به تهران مهاجرت کرد و در آن مسجد در جشنی با حضور آیات عظام: شیخ محمدرضا تنکابنی، حاج سید احمد خوانساری، آیت الله کاشانی و آقایان: فلسفی و حاج محقق رسماً به عنوان امام جماعت و نماینده آیت الله بروجردی معرفی گردید و اقامه جماعت نمود (که آیت الله تنکابنی هم به ایشان اقتدا نمود) و از آن پس به ترویج و تبلیغ دین، تشکیل کلاسهای دینی (تفسیر قرآن و ادبیات عرب و اخلاق و عقائد) برای جوانان و دانشجویان، رسیدگی به حال نیازمندان، تحصیل نزد آیات عظام: سیداحمد خوانساری، سیدابوالحسن رفیعی قزوینی و میرزا محمدباقر آشتیانی و تدریس سطوح عالی در مدرسه مروی پرداخت و بسیاری از جوانان تهران را تربیت نمود. آن مرحوم اهل تهجد و عبادت و مجسمه اخلاق و آینه تمام نمای پدر بزرگوارش بود. فروتنی و تواضع از رفتارش نمایان و اخلاقش زبانزد همگان بود. از حریم اعتقادات شیعه دفاع می نمود و در برابر خدشه در مطالب مفاتیح الجنان (همچون حدیث کساء) سخت ایستاد و با مصاحبه ها و اقدامات قانونی جلو حذف حدیث کساء را از مفاتیح گرفت. مسجدش در ایام پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مراکز بزرگ فرهنگی و دینی بود که حدود ۴۰۰ نفر از جوانان تهران به فراگیری قرآن و نهج البلاغه و دروس حوزوی اشتغال داشتند و بسیاری از فعالان این مسجد خود از مبلغان دین و خادمان انقلاب اسلامی گردیدند.

آثار او عبارت اند از:

۱. حیاة الائمة الاطهار - علیهم السلام -؛
۲. تصحیح و تحقیق «سفینه البحار» (نوشته: پدر بزرگوارش)؛
۳. تقریرات دروس اساتید. او در روز یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۸۷ ش (۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۰ ق) در ۸۳ سالگی در مشهد مقدس چشم از جهان فرو بست و در روز سه شنبه (۱۹ ربیع الاول) ۲۷ اسفند، پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله سیدمحمدباقر شیرازی بر پیکرش، در صحن آزادی حرم امام رضا - علیه السلام - به خاک خفت و در غم فقدانش پیام های تسلیت از سوی مقام معظم رهبری و مراجع تقلید انتشار یافت.

*

پروفسور محسن مهدی کربلایی

فیلسوف عراقی مشهور پروفسور محسن مهدی کربلایی، یکی از مشاهیر دانشمندان عراقی در دانشگاه هاروارد آمریکا بود. وی در سال ۱۹۲۶ م در کربلا زاده شد و پس از تحصیلات دبیرستان و اخذ دیپلم، راهی بیروت شد و در دانشگاه آمریکایی بیروت تحصیل نمود و پس از آن راهی آمریکا شد و دکترای خود را در سال ۱۹۵۴ م از دانشگاه شیکاگو اخذ کرد و پس از آن به عراق بازگشت و چندسال در دانشگاه بغداد تدریس نمود. در سال ۱۹۸۵ پس از کودتا و سقوط دولت پادشاهی ملک فیصل و ناامنی اوضاع عراق، به آمریکا رفت و به تدریس در دانشگاه شیکاگو - به مدت ۱۰ سال پرداخت و پس از آن به دانشگاه هاروارد منتقل شد و به مدت ۳۷ سال - از ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۶ م - در آنجا به تدریس فلسفه شرق، زبانهای شرق نزدیک، تمدن خاورمیانه و جز این پرداخت و در این دوره به تدریس مقطعی در

دانشگاه های: آلمان، فرانسه، مصر، پاکستان (و غیر آن) راهم بر عهده داشت. او در دانشگاه هاروارد، کرسی فلسفه شرق را اداره می کرد و مدت ۲۵ سال هم مدیر مرکز بررسیهای خاورمیانه آن دانشگاه بود. استاد فقیده، بزرگترین متخصص فزایی و فلسفه او در جهان، به شمار می رفت و علاوه بر آن، در زمینه فلسفه ابن سینا، ابن خلدون، رازی و ابن رشد هم مطالعات و تدریس داشت و هم، آگاهی و آشنایی بسیار با مخطوطات اسلامی داشت و روش خاصی را در تحقیق مخطوطات، ابداع نمود. همچنین او، متخصص در فلسفه یونان و فلسفه اسلامی، یهودی و مسیحی بود و از صاحب نظران در زبان و ادبیات عرب به شمار می رفت و در این زمینه ها، نوشته های متعدد و مقالات فراوان داشت و تدریس نمود.

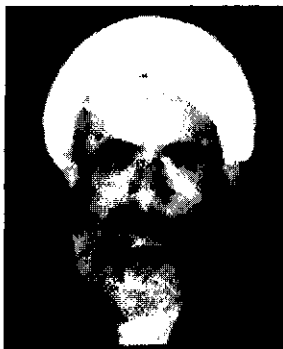
برخی از آثارش عبارت اند از:

۱. فلسفه ارسطو عند الفارابی؛
۲. الفارابی فی الادبیات؛
۳. الاستشراق ودراسة الفلسفة الاسلامیة؛
۴. فلسفه ابن خلدون فی التاريخ؛
۵. الف لیلۃ ولیلۃ (ترجمه قصه های هزار و یکشب به انگلیسی)؛
۶. تحقیق: الالفاظ المستعملة فی المنطق (نوشته فارابی)؛
۷. تحقیق: کتاب الحروف (فارابی)؛
۸. تحقیق: کتاب الملة ونصوص اخری (فارابی)؛
۹. ترجمه آثار بسیاری از فارابی، ابن رشد و ابن سینا؛
۱۰. مجموعه مقالات. وی در اواخر سال ۲۰۰۸ م (۱۴۲۹ ق) در آمریکا درگذشت.

ناصرالدین العسکری قمی

*

حجة الاسلام جمی



حجة الاسلام غلامحسین جمی در سال ۱۳۰۴ هـ. ق در قره اهرم مرکز تنگستان از توابع بوشهر به دنیا آمد. وی در خانواده‌ای فقیر و مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج احمد جمی شخصی مذهبی و مورد اعتماد مردم محله بود و با آنکه تحصیلات حوزوی نداشت، با همان سواد مکتبخانه ای اغلب سوره های قرآن را حفظ بود و چون مورد اعتماد بود، بخش عمده معاشش از طریق روزه و نماز استیجاری تأمین می شد.

عالم ربانی تقریباً در اوایل دوره پهلوی متولد شد و در آن زمان در محله آنها حوزه علمیه وجود نداشت و در روستا هم مدرسه ای نبود که بچه ها در آن درس بخوانند. حدود شش یا هفت ساله بود که مرحوم پدرش وی را به مکتبخانه برد. در همان مکتب خانه مدرسه ای تشکیل شد؛ مدرسه ای با نام انوشیروان که حجة الاسلام جمی تا کلاس ششم را در آنجا درس خواند، ولی برای ادامه تحصیل دیگر مدرسه ای در اطراف آنها نبود.

پدر مرحوم غلامحسین جمی از آنجا که شیفته مذهب و روحانیت بود، وی را علاقه مند کرده بود که وارد حوزه علمیه شود؛ از این رو خود حجة الاسلام جمی هم به علت علاقه مندی به لغات عربی و

تبریز آورد و بارها تحت پیگرد ساواک قرار گرفت و دستگیر شد. عالم ربانی در طول نهضت همواره یار و همراه امام (ره) بود و انقلاب و حکومت اسلامی را از نعمت های الهی می دانست.

آیت الله شتربانی در اوایل انقلاب نیز با بسیج کردن نیروهای مردمی در راه اندازی کاروان های مردمی و اعزام به جبهه های حق علیه باطل، ده ها کامیون مایحتاج عمومی رزمندگان را از مراکز مختلف به جبهه ها هدایت کرد.

ایشان در طول حیات پربرکت خویش و با توجه به مشقات کاری به نوشتن مقاله و کتاب در حوزه دین می پرداخت و برخی از آثار آن مرحوم عبارت اند از:

۱. جنگ و جهاد از منظر اسلام؛
۲. میزان السعادة؛
۳. سفر و آداب آن؛
۴. ارشاد الحج؛
۵. زندگی نامه چهارده معصوم علیهم السلام.

سرانجام این عالم ربانی پس از عمری تلاش در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ در سن ۹۰ سالگی در بیمارستان امام رضا(ع) تبریز دعوت حق را لبیک گفت و عالم ربانی پس از انتقال از بیمارستان در ۲۷ اردیبهشت در شهرستان باسمنج تشییع شد که در این آیین باشکوه، نماینده ولی فقیه و امام جمعه تبریز حضور داشت و سرانجام با تکبیر و بدرقه اقشار مختلف باسمنج و با تجلیل باشکوه طلاب و علما به خانه ابدی رهسپار گردید. روحش شاد و راهش مستدام باد.

*

آیت الله شتربانی

عالم ربانی میرزا محمود شتربانی یکی از عالمان عصر کنونی به شمار می رفت که عمر خود را در راه ترویج دین مبین اسلام و گسترش شریعت نبوی (ص) و سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سپری کرد. معظم له در سال ۱۲۹۸ ش در محله «دوده چی» تبریز دیده به جهان گشود و علوم عربی و ادبیات ترکی و فارسی را در مکتبخانه مشهور این محله تاریخی فراگرفت. وی در مدرسه طالبیه تبریز به مدت شش سال از محضر آیات عظام: شهیدی، خسروشاهی و دوزدوزانی تلمذ کرد و سپس به مشهد رفت و در حوزه علمیه مشهد از محضر علمای نام آور آن حوزه شاگردی نمود. وی دو سال در حوزه علمیه قم دروس اجتهاد را از علمای طراز اول فراگرفت و با کوله باری از اندوخته های علمی و صلاحدید آیت الله العظمی بروجردی (ره) در مدرسه علوم دینی «حسین پادشاه» تبریز که از حوزه های علمیه قدیمی ایران است، به تدریس و تربیت طلاب پرداخت.

عالم فاضل در سال ۱۳۳۱ ش، با درخواست علمای آذربایجان و آیت الله العظمی بروجردی برای ارشاد و رسیدگی به امور شرعی ساکنان روستاهای شرقی تبریز در شهر «باسمنج» اقامت گزید.

مرحوم شتربانی ۵۷ سال امام جماعت مسجد شهر باسمنج بود و در دوام و شکل گیری انقلاب اسلامی از روحانیان مبارز به شمار می رفت. وی در قیام علیه باطل در ۲۹ بهمن تبریز هزاران تن از اهالی روستاهای استان را برای تشدید شعله های آتش قیام ۲۹ بهمن به

دروس حوزوی وی را بر آن داشت که به حرف پدر گوش کند. در همین زمان دو تن از روحانیان دانشمند نجف به اهرم آمده بودند و در همسایگی آنها سکونت داشتند. آنان حاج شیخ محمدعلی مآحوزی و حاج شیخ علی مآحوزی از شاگردان خوب آقا ضیاء عراقی، مرحوم اصفهانی و مرحوم شیرازی بودند.

ایشان بعد از اتمام جامع المقدمات و مقدار زیادی از سیوطی برای ادامه درس به برازجان و بوشهر رفتند و پس از مدتی باز وارد آبادان شدند. در سال ۱۳۲۷ ایشان از تأسیس یک مدرسه علمیه توسط مرحوم آیت الله قائمی باخبر شدند که بعد از شنیدن این خبر وارد این مدرسه شدند. مرحوم قائمی که مرد بزرگ و فرهیخته‌ای بود، از حجة الاسلام جمی دعوت به همکاری می‌کند و از وی می‌خواهد به عنوان معلم عربی، درس عربی تدریس کنند که ایشان این کار را با صرف و نحو شروع کردند.

البته ایشان در کنار تدریس، به خواندن دروسی همچون معالم و شرایع (فقه و اصول) در نزد استادانی همچون آیت الله قائمی و سید موسی حسینی پرداختند. حجة الاسلام جمی به نجف بسیار علاقه داشتند. سرانجام ایشان وارد نجف شدند و در آن جا حاشیه و مطول را خواندند و از محضر آیت الله کاشانی استفاده کردند.

در هنگام درس خواندن ایشان مریض شدند و مجبور شدند به ایران و از آن جا به آبادان بازگردند. در آبادان ماندگار شدند. در همین شهر به تحصیل خود ادامه دادند و از محضر آیات عظام آیت الله قائمی و صدر هاشمی - که صاحب رساله بودند - فیض بردند.

متأسفانه ایشان به علت مشغله‌های

کاری مربوط به زمان خود، نتوانستند تألیفاتی انجام بدهند؛ البته ایشان در جایی از خاطرات خود اینگونه می‌گویند: «متأسفانه من توفیق این را نداشتم که کتابی بنویسم، اما گاه مقاله‌هایی می‌نوشتم که در نشریه مکتب اسلام منتشر می‌شد. مقاله‌هایی هم برای روزنامه ندای حق که از روزنامه‌های بعد از شهریور ۲۱ و روزنامه دینی بود، نوشته‌ام، اما آثار قلمی مستقلی ندارم. به عقیده من این توفیقی است که نصیب بنده نشد».

زندگی عالم ربانی در طول مبارزات انقلاب و دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دستخوش یک سری اتفاقات و حوادثی است.

اجازه‌نامه: ۱) مرحوم آیت الله حاج سید عبدالهادی شیرازی؛ ۲) مرحوم آیت الله اصفهانی؛ ۳) مرحوم آیت الله حکیم؛ ۴) مرحوم آیت الله خوبی؛ ۵) مرحوم حضرت امام خمینی (ره)؛ ۶) مرحوم آیت الله گلپایگانی.

ایشان تا قبل از فوت از همه مراجع اجازه‌نامه و دستخط داشت.

در دوران جنگ که آبادان تخلیه شد و مردم به سبب ناامنی و پرتاب خمپاره‌ها، راکت‌ها و موشک‌های هواپیماهای عراقی مجبور به ترک شهر شدند، ایشان خانواده را به جای دیگری فرستادند و خود تنها در آبادان ماندند که طی یک حمله، خانه ایشان به علت برخورد یک موشک نابود شد و ایشان منزل خود را تغییر دادند؛ البته این اتفاق بارها انجام شد که ایشان بعد از چهار یا پنج بار تغییر منزل، ناچار به جابه‌جایی به اهواز شدند که در این نقل و انتقال‌ها اسناد و مدارک بسیاری از ایشان از بین رفت.

ایشان همیشه از این مسئله که چرا ما کتاب قضا می‌خوانیم، اما قانون قضای ما

از کشورهای دیگر گرفته شده و همچنین قانون تجارت ما از بیگانگان اخذ شده، ناراحت بود؛ لذا این مطلب در ذهن ایشان پیوسته مطرح می‌شد که باید حکومت و نیروی اجرایی داشته باشیم تا آنچه اسلام در مورد قضا، ارث، تجارت، بیع و شرار و... دارد، عملاً اجرا شود. همین مسئله باعث شد تا ایشان به مسائل سیاسی وارد شوند.

فعالیت‌ها و سخنرانی‌های غلامحسین جمی در آبادان سبب شد تا او سکاندار و شخصیت پیشرو انقلاب در آن خطه شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی وی علاوه بر برپایی و اقامه نماز جمعه در آبادان تحولات و تحرکات سیاسی شهر را با دقت زیر نظر داشت. ایشان در سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۸۷ پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حکم حضرت امام (ره) به عنوان نخستین امام جمعه آبادان معرفی شد و از چهره‌های ماندگار و مظهر مقاومت شهر آبادان در دفاع مقدس بود؛ همچنین ایشان در سال ۱۳۶۱ در انتخابات نخستین دوره مجلس خبرگان به نمایندگی مردم استان خوزستان برگزیده شد.

حجة الاسلام جمی در آبان ماه سال ۸۲ به دلیل کهولت و بیماری از سمت خود استعفا کرد. وی ۲۴ سال امام جمعه آبادان بود. ایشان سرانجام ۷ دی ۱۳۸۷ در سن ۸۳ سالگی بر اثر بیماری راهی خانه ابدی شد. پیکر ایشان پس از طواف ضریح مطهر امیرالمؤمنین (ع) و با حضور زائران ایرانی، جمعی از مردم نجف، مسئول دفتر آیت الله سیستانی و همچنین امام جمعه نجف، در وادی السلام نجف به خاک سپرده شد.

هادی نقی جلال آبادی

*